

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی

دکتر سید محمد صادق مهدوی* - دکتر افسانه ادریسی**

احسان رحمانی خلیلی***

چکیده

دین‌واقعی اجتماعی است و مناسک دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه‌دار انسان است. اعمال دینی حس همبستگی و اتکا به گروه و خلاصه، حس بودن در جامعه را نشان می‌دهد. دین زبان مشترک اخلاقی جامعه است. این مقاله در جستجوی پاسخ به این سوالات است که میزان دینداری شهروندان تهرانی چگونه است؟ دینداری در گروه‌های مختلف بر پایه سن، جنسیت، منطقه محل سکونت، محل تولد، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات چه تفاوتی دارد و رابطه دینداری با متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده چگونه است؟ تحقیق حاضر از نوع توصیفی - مقایسه‌ای است و از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندانی است که در نیمه اول آبان ماه ۱۳۸۸ ساکن شهر تهران بوده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۹۱ نفر و انتخاب نمونه باتلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفته است. جهت بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد پرسشنامه، از اعتبار محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. متغیر دینداری در این تحقیق با سه شاخص اعتقادات، اخلاقیات و اعمال، در سطح سنجش رتبه‌ای، در غالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. برخی از یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دینداری بین دوگروه زنان و مردان و دو گروه متولدین تهرانی و شهرستانی تفاوت معناداری ندارد؛ اما در بین گروه‌های سنی، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و ساکنین مناطق مختلف، تفاوت معناداری دارد.

واژگان کلیدی

جامعه‌شناسی دین، دینداری، شهروندان تهرانی

*. استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

** .استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. Email: a_edrisi@iau-tnb.ac.ir

*** .دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

شمال. Email: ehsan5171@yahoo.com

مقدمه

اندیشیدن در باب دین از قدیمی‌ترین موضوع‌های مورد توجه آدمی بوده است. در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله‌ای وجود نداشته که به روشی دین نداشته باشد. «هیوم» معتقد است که دین مهم‌ترین وجه تمایز آدمیان از حیوانات است و تا جایی که عقل بشر گواهی می‌دهد هیچ حیوانی هرگز کاری انجام نداده که بتوان آن را به عنوان تمهیدی برای زندگی پس از مرگ او به حساب آورد. (هیوم، ۱۳۷۲: ۱۷)

ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که می‌توان از طریق کنترل و هدایت آنها، جامعه را به زوال یا تعالی کشاند. (رفیع‌پور، الف، ۱۳۷۸: ۲۶۷) ارزش‌های مذهبی نیز یکی از انواع ارزش‌ها در هر جامعه است. همان‌طور که جلوه آن در افراد مختلف و با توجه به شرایط زمانی می‌تواند متفاوت باشد، تجلی آن نیز در همه جوامع به یک شکل خاص نیست. به نظر می‌رسد توجه به امر مقدس در همه زمان‌ها وجود داشته است.

دین جامعه را از طریق تقویت فرهنگ و ساختار اجتماعی به شکل یک کل در می‌آورد و در اکثر جوامع به تقدس بخشیدن ارزش‌های فرهنگی کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای اکثر ادیان زمانی است که آنها یک اساس مابعدالطبیعی را برای نظم اخلاقی گروه اجتماعی فراهم می‌آورند و پیروی از هنجارها را تقویت می‌کنند. «رابرتز»، همچون «گیرتز» بر این نظر است که در اکثر جوامع بین دین و اخلاقیات ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. رابرتز می‌نویسد: «یک دین از طریق فراهم آوردن یک اساس مابعدالطبیعی برای ارزش‌های فرهنگی، کدهای اخلاقی، نگرش‌های مربوط به زندگی با اغتشاش، بی‌نظمی و کج‌روی که می‌توانند آنومی را به وجود آورند، مبارزه می‌کند.» (Roberts, 1995: 59) بنابراین می‌توان چنین گفت که بر طبق نظر رابرتز، دین با تقدس کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و با تقویت پایبندی افراد به آنها و مبارزه با آنومی، نظم اجتماعی و در نهایت ثبات اجتماعی را موجب می‌شود.

جامعه‌شناسان معتقدند که هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشند، رفتار افراد نیز به همان میزان قابل پیش‌بینی می‌شود، چرا که آنها در چارچوب قواعد

خاصی رفتار می‌کنند. بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر و مناسبات اجتماعی روان‌تر و با هزینه‌تر کمتر صورت می‌گیرد. یکی از کارکردهای مهم دین در تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی است که این کارکرد در دوران گذار تضعیف می‌شود و باید گفت این تضعیف پیش از این که ارزش‌های مدرن جایگزین شوند اتفاق می‌افتد. پس در دوران گذار ارزش‌های سنتی کاهش پیدا می‌کنند در حالی که هنوز ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین آن نشده است که این امر زمینه ساز تضعیف اعتماد اجتماعی و به تبع آن تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود. (رحمانی خلیلی، ۱۳۸۸: ۸) همچنین «فوکویاما» بیان می‌دارد که آنچه اصلاحات مذهبی را در نظر «وبر» مهم جلوه داد این نبود که مردم را به صداقت، همیاری و صرفه‌جویی تشویق می‌کرد، بلکه این بود که این خصایص برای اولین بار به طور گسترده‌ای بیرون از خانواده به کار برده می‌شد. (Fukuyama, 1999: 12) در همین رابطه او اصطلاح شعاع اعتماد را به کار می‌برد. به این معنا که آنچه قابلیت یک جامعه را برای ساختن سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد توانایی افراد به فراتر رفتن از خانواده و خویشاوندان و دادن دست‌یاری و معاضدت به دوستان و دیگر شهروندان است و دین چنین توانایی و ظرفیتی را داراست.

«یواخیم واخ» وظیفه جامعه‌شناسی دین را تحقیق در تأثیرات متقابل دین و جامعه می‌داند که شامل تأثیر دین بر صور و خصوصیات سازمان اجتماعی و تأثیر جامعه بر روابط اجتماعی درون یک دین است. به عبارت دیگر، دین همبستگی نیرومندی با یک‌یک وجوه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع دارد، بر آنها تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین وظیفه اساسی جامعه‌شناسی دین، مطالعه و چگونگی تحقق اجتماعی دین و نهادهای دینی و بررسی نحوه ارتباط متقابل بین پدیده‌های دینی و دیگر پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲)

هدف کلی تحقیق حاضر شناسایی میزان دین‌داری شهروندان تهرانی است که اهداف جزئی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- شناسایی میزان دین‌داری و ابعاد آن در بین شهروندان تهرانی.

۱۴۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

- شناسایی میزان دین‌داری در گروه‌های مختلف همچون سن، جنسیت، منطقه محل سکونت، محل تولد، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات.
- شناسایی رابطه دین‌داری با متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده.

ادبیات نظری تحقیق

در طی چند دهه اخیر، تحقیق‌های قابل توجهی جهت بررسی رابطه دین‌داری و پدیده‌های اجتماعی انجام شده است. یافته‌های این تحقیقات، حاکی از تأثیر دین‌داری بر برخی ویژگی‌هاست. با مقایسه این تحقیقات، می‌توان به نتایج مشابهی دست یافت و نیز تناقض در یافته‌های آن‌ها را مشاهده کرد. برخی معتقدند که وجود این تناقضات ناشی از تعاریف و ابزارهای سنجشی است که برای بررسی میزان دین‌داری به کار می‌رود.

یافته‌های تحقیق «حسین سراج زاده» در سال ۱۳۷۷ با عنوان «نگرش و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن» حاکی از این است که طبقات اجتماعی جامعه که براساس مناطق مختلف در نظر گرفته شده‌اند از درجات دین‌داری متفاوتی برخوردارند. طبقات پایین‌تر جامعه (مناطق جنوبی تهران) گرایش دینی قوی‌تری نسبت به طبقات بالاتر جامعه (مناطق شمالی تهران) داشته‌اند. در این پژوهش، محقق رابطه منزلت اجتماعی (منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات والدین) را با میزان دین‌داری دانش‌آموزان مورد سنجش قرار داده و به این نتیجه رسید که افراد دارای منزلت اجتماعی پایین‌تر، دین‌داری قوی‌تری نسبت به افراد با منزلت اجتماعی بالاتر داشته‌اند. همچنین در رابطه جنسیت با دین‌داری، نمره تدین دختران اندکی بیش از پسران بوده است که این اختلاف از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است.

نتایج تحقیق «محمد رضا طالبان» در سال ۱۳۷۸ با عنوان «خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری جوانان» نشان می‌دهد که دین‌داری نوجوانان خانواده‌های تحصیل کرده، کمتر از نوجوانان در خانواده‌هایی با تحصیلات کمتر و یا بی‌سواد است و خانواده‌های تحصیل کرده فشار

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در ... ❖ ۱۴۳

کمتری به فرزندان خود برای انجام مناسک دینی می‌آورند.

«سیدمحمد میرسندسی» در سال ۱۳۸۳، در تحقیق خود با عنوان «مطالعه میزان و انواع دین‌داری دانشجویان» به این نتایج رسید: میزان حضور در دانشگاه تنها با واسطه و میزان پیروی از روحانیت رابطه منفی دارد. در بین متغیرهای فردی، جنسیت نشان دهنده تفاوت معنادار دین‌داری زنان و بالاتر بودن میزان دین‌داری آنها، نسبت به مردان است. همچنین میزان تحصیلات والدین در مواردی رابطه معناداری با برخی از انواع دین‌داری دارد.

نتایج تحقیق «غیاثوند» در سال ۱۳۸۰، حاکی از آن است که میزان دین‌داری خانواده بر جامعه‌پذیری دینی جوانان تأثیر مستقیم دارد.

«هدایت الله نیک خواه» ۱۳۸۰، در تحقیقی با عنوان «سنجش دین‌داری جوانان و عوامل مؤثر بر آن» به این نتیجه رسید که منزلت اجتماعی خانواده بیشترین تأثیر را بر دین‌داری جوانان دارد.

«جعفر قربانی» در سال ۱۳۸۳، در تحقیقی با عنوان «رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت در آزمون I6pf» که میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام داد به این نتیجه رسید که زنان به طور متوسط در همه شیوه‌ها و رویکردها، دین‌دارتر از مردان هستند. همچنین آنها به دین‌داری درونی، گرایش بیشتری دارند و به طور متوسط در سنین پایین‌تر (۱۰ - ۹ سال) احساس نزدیکی و ایجاد ارتباط معنوی با خداوند، را گزارش کرده‌اند.

لازم به ذکر است که تحقیقات گوناگون (تامین ۱۹۹۴، استریکلند و ودل ۱۹۷۲) حاکی از آن است که زنان به طور متوسط در همه شیوه‌ها و رویکردها، دین‌دارتر از مردان هستند. (قربانی، ۱۳۸۳)

با بررسی عناصر مشترک تعاریف مربوط به دین، می‌توان دین را مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که به یک حقیقت متعالی (خدا) مرتبط است، تعریف کرد و دین‌داری مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تابع دستورات دین و مجری آنها بودن، اشاره دارد. در واقع، اطلاق لفظ دین‌داری

۱۴۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی را پذیرفته باشند. بنابراین می‌توان گفت که دین‌داری عبارت است از التزام فرد به دین مورد پذیرش خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه یا ایمان به او دور می‌زند، سامان می‌پذیرد. (حیب‌زاده خطبه سر، ۱۳۸۴: ۴۹) در واقع دین‌داری واژه‌ای ملازم با دین است، به گونه‌ای که هرگاه در باب تعریف دین به طور مبسوط بحث و نتیجه‌گیری شود، تعریف دین‌داری نیز بر این مبنای معرفی یعنی تعریف دین استوار خواهد شد. به عبارت دیگر، تعریف دین‌داری، امری است که کمتر مورد اختلاف و مناقشه است، چرا که به نوعی بر حضور دین دلالت می‌کند. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۲: ۳۶)

بر این اساس آشکار می‌شود که دین پدیده‌ای مستقل از پذیرش انسان‌هاست و دین‌داری عبارت است از پذیرش آنچه که دین نامیده می‌شود، توسط انسان. در واقع دین‌داری نوعی صفت و حالت انسان است و شخص دین‌دار دارای ویژگی‌های خاص منطبق با هنجارهای دینی است و تحت تأثیر این حالات به عمل دست می‌زند. (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶)

دین‌داری به عنوان واقعیت اجتماعی در رویکرد جامعه‌شناسان مورد تأمل و مطالعه قرار گرفته که دارای آثار و پیامدهای اجتماعی نیز می‌باشد. در زیر نیز به برخی از این رویکردها می‌پردازیم:

مارکس؛ به نظر مارکس، دین اساساً محصول یک جامعه طبقاتی است. اندیشه‌های او درباره دین، بخشی از نظریه کلی‌اش درباره از خود بیگانگی در جوامع طبقاتی به شمار می‌آید. به نظر مارکس، دین، هم محصول از خودبیگانگی و هم، بیانگر منافع طبقاتی است. دین، هم ابزار ستمگری به طبقه زیردست جامعه است و هم، بیان اعتراض علیه ستمگری و نیز نوعی تسلیم و مایه تسلی در برابر آن است. این ایده مارکس که مذهب آگاهی و هوشیاری در جهان وارونه است، منجر به این تز شده که پایبندی مذهبی فرار از شرایط اقتصادی نامطمئن یا کمک به جبران محرومیت نسبی می‌باشد. (Blau & Redding, 1992: 332)

و بر؛ به نظر «وبر»، سرچشمه برداشت‌های مذهبی را باید در این امر جستجو کرد که دین اساساً پاسخی است به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی و می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند. در نتیجه انسان را قادر به کنارآمدن با آنها می‌سازد و در برابر این مشکلات به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد.

«وبر» در بخشی از بررسی‌هایش به رفتار دینی جماعت غیرروحانی توجه می‌کند. او به بررسی نوع و شکل رفتار دینی در میان اقشار مختلف جامعه پرداخت. او بر این نظر است که هر یک از اقشار و گروه‌های اجتماعی، برحسب پایگاه اجتماعی و اثر شرایط و موقعیت‌های اجتماعی از دین‌داری خاصی متفاوت از اقشار دیگر تبعیت می‌کنند و به تبع آن تأثیر دین‌داری بر فرد و رفتار اقتصادی - اجتماعی او در هر قشر می‌تواند متفاوت باشد. (همیلتون: ۲۴۰) مهم‌ترین نظریه وبر به تأثیر جنبش اصلاح طلبانه پروتستان‌ها و انقلاب صنعتی که چند قرن پیش از این اتفاق افتاده است، مربوط می‌شود. به همین دلیل بررسی دقیق آن با هر مدرک تجربی معاصر مشکل است. اما چنانچه جهان بینی عقلانی، بدینی گسترده‌ای را نسبت به وجود خدا و اعتقاد به متافیزیک به وجود می‌آورد، پس باید انتظار داشت آن جوامعی که اعتماد بیشتری به علم دارند، کمتر دین‌دار باشند. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵) ادعای اصلی در استدلال‌ات وبر این است که اشاعه شناخت علمی و سطوح افزایش یابنده تحصیلات موجب گرایش عمومی به جهان بینی عقلانی‌تر در همه جوامع صنعتی می‌شود. اگر این ادعا درست باشد، پس باید شاهد این باشیم که غیر دینی شدن در میان تحصیل کرده‌ترین اقشار جامعه و کسانی که به علم اهمیت می‌دهند و به آن احترام می‌گذارند بیش از همه پیش رفته باشد. به عقیده وبر با افزایش تحصیلات و افزایش آگاهی شناختی از عقلانیت انسانی، از اهمیت اعتقادات دینی کاسته می‌شود. از طرف دیگر اگر همان طور که برخی از دانشمندان علوم اجتماعی استدلال کرده‌اند که در جوامع شهری جدید «تحصیلات» شاخص اصلی منزلت و موقعیت اجتماعی است، والدین تحصیل کرده دانشگاهی به منظور حفظ منزلت و موقعیت اجتماعی خانواده اصرار دارند که فرزندانشان بیشتر درس بخوانند تا مانند آنها تحصیلات

❖ ۱۴۶ نامه پژوهش فرهنگی

عالی به دست آورند و تاکید کمتری به انجام مراسم، مناسک و سایر امور مذهبی فرزندان نشان می‌دهند. به زبان جامعه‌شناختی در این خانواده‌ها، فشار هنجاری درون خانوادگی (والدین) نسبت به انجام مناسک و فرایض مذهبی فرزندان کمتر از سایر خانواده‌هاست و این فشار هنجاری بیشتر معطوف به درس خواندن فرزندان است. (طالبان، ۱۳۷۸: ۳۳ - ۳۱)

دورکیم؛ نظریه‌پردازی است که بیشترین تأثیر را بر جامعه‌شناسی دین داشته است. او با رهیافت کارکردگرایانه به بررسی تأثیر دین می‌پردازد. آنچه دورکیم را به بررسی دین وادار کرد علاقه اولیه او به تنظیم اجتماعی بود. توجه او به نیروهای نظارت درونی شده در وجدان فردی، جلب شد. او مجاب شده بود که جامعه باید در درون فرد حضور داشته باشد و چنین بود که به موضوع دین پرداخت و آن را نیرویی دانست که در درون فرد احساس الزام اخلاقی و هواداری از درخواست‌های جامعه را ایجاد می‌کند. (کوزر، ۱۳۷۷: ۱۹۷)

برگر؛ رهیافت «برگر»، ترکیب خلاقانه‌ای از بینش‌های «دورکیم، وبر و مارکس» است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۸۳) او در نظریه‌اش درباره جامعه‌شناسی دین، استدلال می‌کند که جامعه یک پدیده دیالکتیکی است، زیرا هم یک محصول انسانی و هم واقعیتی خارج از انسان است که بر انسان‌های آفریننده این محصول تأثیر می‌گذارد. او می‌گوید: «دین یک کار انسانی است که عالمی مقدس از طریق آن استقرار می‌یابد. دین کوشش جسورانه‌ای است برای آن که سراسر گیتی برای انسان معنی‌دار شود.» (۲۸۱) او به اهمیت مناسک نیز اشاره می‌کند و نقش مناسک را یادآوری مقررات و نقش‌ها و الزام‌ها می‌داند. (۲۸۲)

«برگر» همچنین به تفاوت دین‌داری میان اقشار جامعه اشاره می‌کند. مطالعاتی که به‌طور تجربی صورت گرفته این را نشان داده است که تأثیر دنیوی شدن بر مردان بیش از زنان، افراد میان‌سال بیش از افراد خیلی جوان و پیر، شهرها بیش از روستاها، طبقاتی که به‌طور مستقیم با تولید صنعتی جدید سروکار دارند (مخصوصاً طبقه کارگر)، بیش از طبقاتی که به‌طور مشاغل سنتی‌تر مشغول‌اند (مانند صنعتگران و مغازه‌داران کوچک) و بر پروتستان‌ها و یهودیان بیش از کاتولیک‌ها است.

رابرتز؛ با رویکردی جامعه‌شناختی و کارکردگرایانه به بررسی پدیده دین می‌پردازد. از نظر او دین از سه نظام تشکیل شده است: ۱. نظام معنا: یعنی دین مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از اعتقادات، شعائر (مناسک)، نمادها، ارزش‌ها، حالت‌ها و انگیزش‌ها است و هر کدام از این‌ها، هم یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند و هم با یکدیگر در تضاد و تقابل هستند. ۲. همچنین او معتقد است که دین یک نظام ساختاری با پایگاه‌های تعیین شده، الگوهای سازمانی و حتی مسائل پیچیده دیوان‌سالارانه است و این نظام یک نظام چندوجهی (Multifaceted) و گوناگون است، که از طریق تضادهای فراتر از منافع فردی و کشش به سمت انسجام و یکپارچگی مشخص می‌شود. ۳. در نهایت، او دین را یک نظام تعلق، (Belonging system) با شبکه‌هایی از روابط دوستی، مرزهای گروهی و هنجارهای غیررسمی که شاید کاملاً از ساختار رسمی یا نظام‌های اداری مستقل باشند، تعریف می‌کند. از نظر «رابرتز» این سه خرده نظام از درون به همدیگر وابسته‌اند و یک نظام بزرگتر که در بعضی جهات در تنش هستند، را شکل می‌دهند. (Roberts, 1995:1)

ردکلیف براون؛ مردم‌شناس انگلیسی است که صاحب رهیافتی جامعه‌شناسانه به دین است. او مردم‌شناسی را همچون «جامعه‌شناسی تطبیقی» می‌دید که کانون توجه‌اش رفتار اجتماعی است و در جستجوی کارکرد پنهانی اعمال و آداب مختلف در کل یا نظام اجتماعی است. (الیاده، ۱۳۷۲:۱۴۶) براون به دلیل تأکید بر الگوهای اجتماعی که نیازهای اجتماعی و ساختاری را پاسخ می‌دهند، در دیدگاه ساخت‌گرایی کارکردی قرار می‌گیرد که با همین دیدگاه به دین نگاه می‌کند. (Roberts, 1995:54)

ما می‌توانیم حداقل به عنوان یک امکان، به این نظریه توجه داشته باشیم که دین مانند اخلاق و قانون، بخش مهم و حتی اساسی دستگاه اجتماعی و جزیی از آن نظام پیچیده‌ای است که انسان‌ها می‌توانند به وسیله آن در یک تنظیم سامان‌مند روابط اجتماعی با هم زندگی کنند. بر مبنای این دیدگاه، ما کاری با سرچشمه‌های دین نداریم، بلکه تنها به کارکردهای اجتماعی آن نظر داریم، یعنی می‌خواهیم بدانیم که دین در شکل‌گیری و نگهداشت نظم

۱۴۸ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

اجتماعی چه نقشی را بازی می‌کند.

«ردکلیف براون» نیز مانند «رابرتسون اسمیت» بر این عقیده است که عملکرد مذهبی از باورداشت‌های مذهبی بیشتر اهمیت دارد. به نظر «براون»، باورداشت‌ها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند. از همین روی، برای شناخت دین نخست باید به مناسک توجه داشته باشیم. پس کارکرد اجتماعی مناسک است که کلید شناخت دین را به دست ما می‌دهد. (197-199)

هرویلوئه؛ از آنجا که وی تصویری بدیع از دین‌داری در عصر مدرن ارائه می‌دهد، در جامعه شناسی دین اهمیتی درخور یافته است. او در مورد این که فرآیند شکل‌گیری هویت دینی چگونه صورت می‌گیرد معتقد است: افراد از منابع نمادین متنوعی که موافق مشرب‌شان است یا از طریق آن منابع با درگیر شدن در تجربیات متفاوتی که در دسترس‌شان قرار می‌گیرد، به ساختن هویت‌های دینی و اجتماعی خودشان مبادرت می‌کنند. او در مسیر فردی ساختن اعتقادورزی معتقد است: در جوامعی با مدرنیته بالا که تفکیک نهادی آنها زیاد است، قلمروهای متفاوت فعالیت اجتماعی از یگدیگر مجزایند و منطق‌شان نسبتاً مستقل است. در این جوامع افراد خود را در قواعد پیچیده، بازی می‌دهند و نقش خود را براساس مشرب‌ها، عضویت، علائق، تجربه‌ها و خواسته‌هایشان ایفا می‌کنند. آنها از این ترکیب علائق و تجربه‌های زیست‌شان، برای ساختن معنایی که خود به هستی‌شان می‌بخشند، استفاده می‌کنند. آن هم در دنیایی که از طریق ارتباطات لحظه به لحظه، جهانی شده و در آن، حافظه تا حد زیادی حیات سازنده اش را از دست داده است. در نتیجه مدرنیته، به شکلی کاملاً آرمانی نمونه وار، با توانایی‌ای که به سوژه فردی می‌دهد تا او جهان هنجارها و ارزش‌هایش را به شیوه‌ای مستقل بپرورد، خود را مشخص می‌کند.

کار «هرویلوئه» به خاطر تاکید بر تغییراتی که در نقش کارکردی مدرسه و خصوصاً خانواده به همراه داشته قابل توجه است. مهم تر این که او نیز بر نقش منابع در دسترس فرد، برای شکل دهی به هویت دینی افراد اشاره می‌کند. او از بی‌انگیزه بودن جوانان و توانایی آنان در

انتخاب دین خود سخن می‌گوید. امروزه پافشاری برای هم‌نویی اجباری با حقایق دینی (به ویژه برای جوانان) در مقایسه با اصالت شخصی سوژه معتقد که در جست‌وجوی حقیقت خویش است، کم ارزش شده است. به نظر او انتقال هویت دینی، مستلزم اصل وجود نهادهای دینی است؛ یعنی تداوم حافظه‌ای که شالوده آنهاست. در حقیقت، کلیت دین با فعال شدن خاص حافظه جمعی درگیر است. (هریولزه، ۱۳۸۰: ۳۰۰-۲۹۳)

عده‌ای از نظریه پردازان به دین از دیدگاه کارکردی توجه کرده‌اند که در زیر به برخی از نظرات توجه می‌کنیم:

دین به شخص چیزی را می‌دهد که از هیچ منبع دیگری قابل دریافت نیست، اعتقاد به حاصل کوشش‌های زندگی از طریق اتصال شخصی به قدرت یا قدرت‌های متعالی جهان. وجود هر دینی برای افراد متدین و نیز اوضاع جامعه معمولاً مؤثر است. به عنوان مثال دین کمک می‌کند که یک فرد متدین، قدرت و رضایت خاطر بیشتری به دست آورد و بتواند مصائب زندگی را بدون شکوه و ناله تحمل کند. برای مسئله شر، راه‌حلی به دست می‌دهد، کیفیت زندگی این جهان را ارتقاء می‌بخشد، امید به زندگی بهتر در آینده را فراهم می‌کند و مشخصات یک جامعه نمونه و ایده‌آل را به دست می‌دهد. همچنین یک برنامه عملی برای رستگاری و نجات مطرح می‌کند. (هیوم ۱۳۷۲: ۱۸)

دین شیوه همزیستی انسان را با هم‌وعانش در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تعیین می‌کند و جهت‌گیری در تمامی شئون زندگی را مشخص می‌سازد. به تعبیری می‌توان گفت دین به منزله جهت نما است. (مهدوی، ۱۳۷۸: ۳)

«هاری آلپر»، پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده دین را از نظر «دورکیم»، انضباط‌بخشی، انسجام بخشی، حیات‌بخشی و خوشبختی می‌داند. (کوزر، ۱۳۷۷: ۲۰۰) همچنین «اینگلهارت» یکی از کارکردهای مذهبی را کمک به ارضای این نیاز انسان می‌داند که از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت. (نیکخواه، ۱۳۸۰: ۷) «پارسنز» دین را به عنوان سازوکار مهم نظارت اجتماعی، یگانگی و همبستگی و در عین حال عامل افتراق، تقسیم، مبارزه و جنگ‌هایی که

۱۵۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

برانگیخته شده است، می‌داند. (روشه، ۱۳۷۶: ۲۲۱)

«هیس (Hayes)» کاهش معیارهای اخلاقی سنتی را نتیجه کاهش هویت دینی دانسته و معتقد است از بین رفتن دین فرایند بلا تکلیفی اخلاقی را به دنبال دارد. (ندیمی، ۱۳۷۷: ۲۷ - ۲۶) «ادی» شش کارکرد دین را برای فرد و جامعه بر می‌شمارد:

۱. دین برای انسان حمایت و تسلی به همراه می‌آورد.
۲. از طریق آیین‌ها و مراسم، امنیت عاطفی و هویت و نقطه اتکای ثابت در بحبوحه ناسازگاری‌های آرا و عقاید برای انسان به بار می‌آورد و این کارکرد دین به نظم اجتماعی استواری می‌بخشد و اغلب به حفظ وضع موجود کمک می‌کند.
۳. به هنجارها تقدس می‌بخشد و هدف‌های گروهی را بر فراز هدف‌های فردی قرار می‌دهد و نظم اجتماعی را مشروع می‌سازد.
۴. معیارهایی را به عنوان مبنای انتقاد از الگوهای اجتماعی موجود، فراهم می‌سازد که این همان کارکرد پیامبرانه دین است و می‌تواند مبنایی را برای اعتراض اجتماعی فراهم سازد.
۵. به انسان در شناخت خودش کمک می‌کند و به فرد احساس هویت می‌دهد.
۶. در فراگرد رشد بسیار اهمیت دارد، زیرا به افراد در بحران‌های زندگی و مقاطع گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر کمک می‌کند و در نتیجه بخشی از فراگرد اجتماعی شدن به شمار می‌آید.

«ادی» همچنین چند کارکرد نادرست برای دین بر می‌شمارد: از نظر او دین ممکن است از طریق به آشتی کشاندن ستمدیدگان از اعتراض به بی‌عدالتی جلوگیری کند. همچنین با تقدس بخشیدن به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی امکان تغییر آنها را از بین برده و ممکن است از پیشرفت دانش بشری جلوگیری کند. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱۲ - ۲۱۰)

کارکردهای دین و تأثیر آن بر افراد از نظر «دیویس» به شرح زیر است:
دین عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و رعایت این هنجارها و

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در ... ❖ ۱۵۱

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

منافع جمع را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می‌دهد. دین یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند و جدایی آن‌ها را از اعضای قبایل، اجتماعات یا ملت‌های دیگر تشدید می‌کند. قلمرو فراطبیعی، کارکرد جبرانی دارد. به این معنا که رسیدن به هدف‌هایی که جامعه برای زندگی در این جهان تأکید می‌کند، برای برخی افراد دست یافتنی نیست. بنابراین جامعه برای مقابله با ناخرسندی افراد، هدف‌های برتری را فراهم می‌کند که هر فرد می‌تواند با هر اندازه توفیق در این جهان به آنها دسترسی داشته باشد. در واقع دین برای بی‌عدالتی‌های آشکار این جهان جبران روانشناختی فراهم می‌کند. (همان: ۲۰۵ و ۲۰۳)

فرضیه‌های تحقیق

فرضیات در این پژوهش عبارتند از:

فرضیه شماره ۱: میزان دین‌داری بین دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۲: میزان دین‌داری بین دو گروه متاهلین و مجردین تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۳: میزان دین‌داری بین دو گروه متولدین شهرستانی و تهرانی تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۴: دین‌داری بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۵: دین‌داری بین گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۶: دین‌داری شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۷: پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با دین‌داری، همبستگی معناداری دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - مقایسه‌ای است که به دنبال شناسایی میزان دین‌داری و ابعاد آن و همچنین مقایسه آن در بین گروه‌های مختلف است. در جمع‌آوری اطلاعات، از تحقیق پیمایشی که واحد تحلیل آن شهروندان تهرانی می‌باشد، استفاده شده است. از لحاظ معیار زمان یک تحقیق مقطعی است، که در یک زمان صورت گرفته و واقعیت را در یک برهه از زمان یعنی در نیمه اول آبان ماه ۱۳۸۸ بررسی می‌کند و در نهایت با توجه به این که به دنبال شناخت و کمک به حل یک مسئله اجتماعی است در دسته تحقیق‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شهروندانی است که در نیمه اول آبان ماه ۱۳۸۸ ساکن شهر تهران می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته است. متغیر دین‌داری در این تحقیق طبق سنجش دین‌داری دکترسید محمد صادق مهدوی (مهدوی، ۱۳۷۸) با سه شاخص اعتقادات، اخلاقیات و اعمال، با ۴۰ سوال در سطح سنجش رتبه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) در غالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. جهت اطمینان، حجم نمونه ۱۰ درصد بیش از میزان برآورد شده، انتخاب شد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت این تعداد به ۳۹۱ پرسشنامه رسید. انتخاب نمونه نیز با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفته است. در نمونه‌گیری حاضر پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران به عنوان طبقه در نظر گرفته شد که به ترتیب مناطق ۱، ۱۶، ۴، ۵، ۶ به عنوان نمونه انتخاب شده است. لذا سهم هر منطقه در نمونه، نامتناسب با سهم آن در جامعه آماری می‌باشد.

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق
متغیر وابسته تحقیق (دین‌داری)

جدول ۱. شاخص سازی مربوط به متغیر دین‌داری

مفهوم	ابعاد	خرده ابعاد	مؤلفه‌ها	
دین‌داری	اعتقادات	اصول دین	توحید، نبوت، امامت، عدالت، معاد	
		فروع دین	نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر، خمس	
		باورهای دینی	قرآن، فرشتگان، شیطان، حجاب، منجی انسان‌ها	
	اخلاقیات		قول و قرار، انتظار متقابل، آزار و اذیت، دروغ، غیبت، بدگویی، احترام به دیگران، تبعیض	
	اعمال	عبادت‌ها	فردی	واجب
			جمعی	
		شبه عبادات	فردی	مستحب
			جمعی	
	مادی			
		معنوی		
غیر عبادی		پرداخت خمس، انجام امر به معروف و نهی از منکر، انجام جهاد، شیوه رابطه با نامحرم، شرکت در مهمانی‌ها، مصرف تولیدات الکلی، طهارت		

(مهدوی، ۱۳۷۸: ۶۴)

متغیرهای مستقل تحقیق

پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده: با مؤلفه‌های درآمد ماهانه، شغل، میزان تحصیلات

سنجیده شده است. (رفیع پور، ب ۱۳۷۸)

اعتبار (Validity) و قابلیت اعتماد (Reliability)

جهت بررسی اعتبار پرسشنامه، از اعتبار محتوایی (Content Validity) استفاده شده است که بر این نکته تأکید دارد که آیا تعاریفی که برای مفاهیم ارائه شده است، مفاهیم مورد نظر را می‌سنجد یا نه. برای تأمین روایی محتوایی مفاهیم تحقیق از شیوه توافق داوران استفاده شد و ضمن مشورت با اساتید مجرب در جهت رفع ایرادهای مربوط به تعاریف مفاهیم اصلی تحقیق و سوال‌های مربوط به سنجش، از پیشنهاد آنها نیز استفاده شد. برای سنجش قابلیت اعتماد (پایایی) از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است و پرسشنامه در یک تحقیق مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل ۳۵ نفر از شهروندان تهرانی که به صورت تصادفی انتخاب شدند، اجرا شد. نتایج آزمون آلفای کرونباخ گویای این مطلب بود که پرسشنامه سنجش میزان دین‌داری و ابعاد آن از پایایی مطلوبی برخوردارند، به طوری که متغیر دین‌داری با میزان آلفا ۰/۹۲، بعد اعتقادات ۰/۸۹، بعد اخلاقیات ۰/۵۳ و بعد اعمال با ۰/۸۹ می‌باشند. (ادریسی، ۱۳۸۶)

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی مربوط به دین‌داری در ادامه و در جدول آمده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر دین‌داری و ابعاد آن

مجموع	طبقات (درصد)			
	زیاد	متوسط	کم	
۱۰۰,۰	۵۳,۷	۳۳,۲	۱۳,۰	دین‌داری
۱۰۰,۰	۷۷,۵	۱۵,۱	۷,۴	اعتقادات
۱۰۰,۰	۴۹,۶	۴۵,۸	۴,۶	اخلاقیات
۱۰۰,۰	۴۵,۰	۳۵,۸	۱۹,۲	اعمال

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در ... ❖ ۱۵۵

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

نکته قابل ذکر، این می‌باشد که متغیر دین‌داری و ابعاد آن با استفاده از تکنیک‌های آماری در سطح سنجش فاصله‌ای و پس از طبقه بندی در سطح رتبه‌ای نیز آمده است. طبق نتایج جدول فوق میزان اعتقادات ۷۷٫۵ درصد افراد بالا است. در بعد اخلاقیات، میزان رعایت اخلاقیات ۴۵٫۸ درصد افراد در حد متوسط و ۴۹٫۶ درصد در حد بالا می‌باشد. در بعد اعمال، میزان پایبندی به اعمال ۱۹٫۲ درصد افراد در سطح پایین و ۴۵ درصد نیز بالا است. در مجموع میزان دین‌داری بیش از نیمی از افراد یعنی ۵۳٫۷ درصد در حد زیاد، ۳۳٫۲۵ درصد در حد متوسط و ۱۳٫۰۴ درصد در حد بالا است. به عبارتی ۸۶٫۱۶ درصد دین‌داری‌شان متوسط و بالاتر از آن است. می‌توان گفت که دین‌داری شهروندان مسلمان تهرانی در حد بالا و قوی قرار دارد.

جدول ۳. آزمون‌های T در دو گروه مستقل مربوط به فرضیه‌های ۳،۲،۱

تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	Sig	df	t	Sig.	F		
.۲۶۸	-.۲۳۱	.۳۸۹	۳۸۹	-.۸۶۲	.۳۸۶	.۷۵۵	واریانس برابر	دین‌داری دو
.۲۶۹	-.۲۳۱	.۳۹۰	۳۸۱۸۲	-.۸۶۰			واریانس نابرابر	گروه زنان و مردان
.۲۶۱	۱.۵۵۲	.۰۰۰	۳۶۹	۵.۹۴۱	.۲۷۸	۱.۱۸۱	واریانس برابر	دین‌داری دو
.۲۶۸	۱.۵۵۲	.۰۰۰	۲۸۲۹۲	۵.۸۰۳			واریانس نابرابر	گروه متأهلین و مجردین
.۲۸۶	-.۱۷۱	.۵۵۰	۳۸۹	-.۵۹۸	.۲۳۳	۱.۴۲۷	واریانس برابر	دین‌داری دو
.۲۷۴	-.۱۷۱	.۵۳۴	۲۸۰۶۲	-.۶۲۳			واریانس نابرابر	گروه متولدین شهرستانی و تهرانی

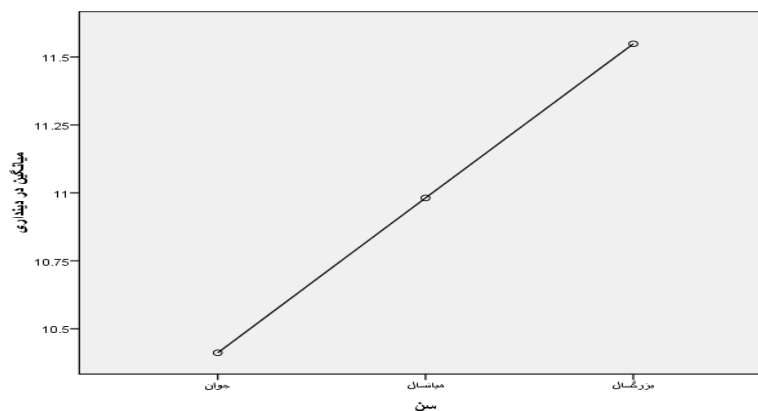
۱۵۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

با توجه به نتایج جدول، میزان دین‌داری در بین دو گروه مردان و زنان و همچنین دو گروه متولدین شهرستانی و تهرانی تفاوت معناداری ندارد. از طرف دیگر نتایج حاکی از آن است که میزان دین‌داری در بین دو گروه متاهلین و مجردین با سطح معناداری $\text{sig}=0.000$ تفاوت معناداری دارد. به طوری که میزان دین‌داری در گروه متاهلین بیشتر از مجردین است.

جدول ۴. آزمون F (تحلیل واریانس) بین گروه‌های سنی مختلف و تفسیر فرضیه ۴

تایید یا رد فرضیه	Sig.	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	
فرضیه	.۰۰۸	۴۸۴۶	۳۳.۳۳۶	۲	۶۶.۶۷۱	بین گروهی
تحقیق تأیید می‌شود.			۶.۸۷۸	۳۸۸	۲۶۶۸۸۲۳	درون گروهی
				۳۹۰	۲۷۳۵.۴۹۴	مجموع

نتیجه آزمون پس تجربی LSD نشان می‌دهد که بین دو گروه جوانان و میان‌سالان با سطح معناداری $\text{sig}=0/05$ و بین دو گروه جوانان و بزرگسالان با سطح معناداری $\text{sig}=0/00$ تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که بیشترین میزان دین‌داری مربوط به گروه بزرگسالان و کمترین میزان آن مربوط به گروه جوانان می‌باشد. نمودار ۱ رابطه مذکور را نشان می‌دهد.

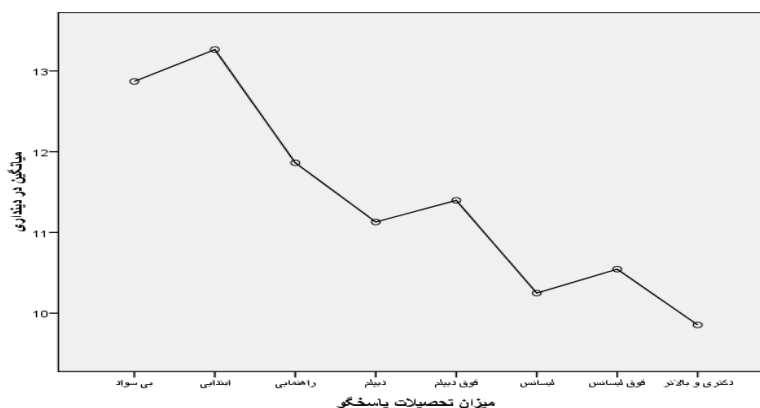


نمودار ۱. میانگین دین‌داری در گروه‌های مختلف سنی

جدول ۵. آزمون F (تحلیل واریانس) بین افراد با تحصیلات مختلف و تفسیر فرضیه ۵

تایید یا رد فرضیه	Sig.	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	
فرضیه	.۰۰۱	۳.۷۷۸	۲۵.۲۳۹	۷	۱۷۶.۶۷۶	بین گروهی
فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.			۶.۶۸۱	۳۸۳	۲۵۵۸۸۱۸	درون گروهی
				۳۹۰	۲۷۳۵.۴۹۴	مجموع

همان طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود بیشترین میزان دین‌داری مربوط به گروه بی‌سوادان و دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشد و با بالا رفتن میزان تحصیلات نیز میزان دین‌داری افراد کاهش می‌یابد.



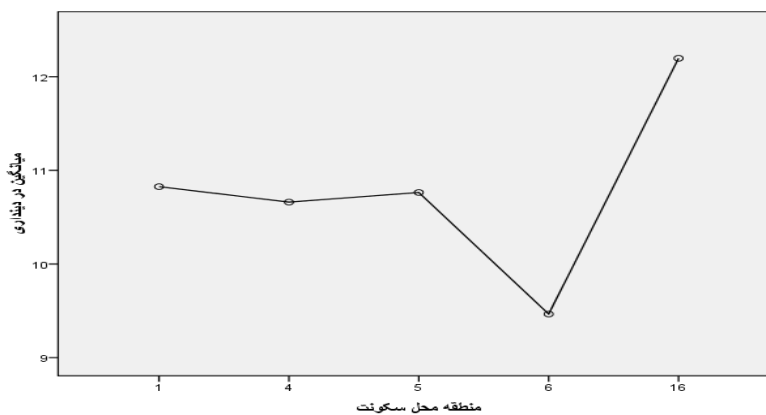
نمودار ۲. میانگین دین‌داری در گروه‌های مختلف میزان تحصیلات

جدول ۶. آزمون F (تحلیل واریانس) بین مناطق مختلف شهر تهران و تفسیر فرضیه ۶

تایید یا رد فرضیه	Sig.	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	
فرضیه	.۰۰۰	۱۰.۷۹۳	۶۸.۷۹۶	۴	۲۷۵.۱۸۴	بین گروهی

تحقیق تأیید می‌شود.		۶.۳۷۴	۳۸۶	۲۴۶۰.۳۱۰	درون گروهی
			۳۹۰	۲۷۳۵.۴۹۴	مجموع

همان طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود بیشترین میزان دین داری مربوط به مردم جنوب شهر تهران و کمترین میزان مربوط به منطقه غرب می‌باشد.



نمودار ۳. میانگین دین‌داری در گروه‌های مختلف منطقه محل سکونت

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، تفسیر فرضیه ۷

پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده		
-۰.۱۵۴	r	دین‌داری
.۰۰۲	Sig.	
۳۸۸	N	

دین‌داری در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری Sig=0.002، با پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدرمطلق ضریب همبستگی که

برابر است با $r = -0.15$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چقدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده افزایش یابد، میزان دین‌داری افراد کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج توصیفی مربوط به متغیر دین‌داری و ابعاد آن حاکی از آن است که ۷۷ درصد اعتقادات دینی، ۴۹ درصد اخلاقیات و ۴۵ درصد اعمال دینی پاسخگویان در سطح زیاد قرار دارد. این نتایج نشانگر آن است که اعمال دینی مردم ضعیف‌تر از ابعاد دیگر دین‌داری شهروندان است. دین‌داری پاسخگویان ۵۳ درصد در سطح زیاد و ۱۳ درصد در سطح کم بوده است و این نشانگر آن است که دین‌داری در میان شهروندان تهرانی نسبتاً بالا می‌باشد و این نتیجه طبق همان نظر «دورکیم» است که می‌گوید «جامعه باید در درون فرد حضور داشته باشد و دین نیرویی است که در درون فرد احساس الزام اخلاقی و هواداری از درخواست‌های جامعه را ایجاد می‌کند.» (کوزر، ۱۳۷۷: ۱۹۷)

از طرفی دیگر «اینگلهارت» می‌گوید به طور کلی اهمیت مذهب در کشورهای توسعه‌یافته کاهش یافته است، اما در کشورهایی که رکود اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی را تجربه می‌کنند، مذهب هنوز قوی باقی مانده است. (نیکخواه، ۱۳۸۰: ۷)

میزان دین‌داری در شهر تهران نیز همین گونه است. همان طور که جامعه‌شناسان معتقدند هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد، رفتار افراد نیز قابل پیش‌بینی می‌شود، چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. یکی از کارکردهای مهم دین در تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی است که در دوران گذار تضعیف می‌شود و این تضعیف پیش از این‌که ارزش‌های مدرن جایگزین آن شود اتفاق می‌افتد. پس در دوران گذار ارزش‌های سنتی کاهش پیدا می‌کنند در حالی که هنوز ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین

۱۶۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

آن نشده است که این امر زمینه ساز تضعیف اعتماد اجتماعی و به تبع آن تضعیف سرمایه اجتماعی می شود. (رحمانی خلیلی، ۱۳۸۸: ۸)

در مورد نتایج استخراج شده از فرضیات تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دین داری در دو گروه مردان و زنان از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشته است. هرچند که میانگین دین داری زنان کمی بیشتر از میانگین دین داری مردان است و این یافته، نتایج تحقیقات سراج زاده (۱۳۷۷)، میرسندسی (۱۳۸۳)، قربانی (۱۳۸۳)، تامینن (۱۹۹۴) و استریکلند و ودل (۱۹۷۲) را تایید می کند. همچنین از نظر «برگر» تاثیر دنیوی شدن بر مردان بیش از زنان است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۹۰)

- دین داری در دو گروه مجردین و متاهلین از لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. با این نتیجه می توان به تاکید اسلام بر ازدواج نیز توجه کرد.

- دین داری در دو گروه متولدین تهرانی و شهرستانی از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد. این نتیجه نشانگر آن است که علی رغم کلان شهر بودن تهران و همچنین توسعه یافتگی بیشتر در آن میزان دین داری بین متولدین تهرانی و شهرستانی که ارزش های سنتی در آنها پررنگ است، تفاوتی وجود ندارد. البته همان طور که «برگر» اشاره می کند که تاثیر دنیوی شدن شهرها بیشتر از روستاهاست (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۹۰) نتایج نیز نشان می دهد که میانگین میزان دین داری در متولدین شهرستانی کمی بیشتر از متولدین تهرانی است.

- نتایج نشان می دهد که بین میزان دین داری در گروه های مختلف سنی از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که بیشترین میزان دین داری مربوط به گروه بزرگسالان و کمترین میزان آن مربوط به گروه جوانان می باشد. این در حالی است که «برگر» اشاره می کند میزان دنیوی شدن در افراد میان سال بیش از افراد خیلی جوان و پیر است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۹۰) همان طور که «هریولوژه» معتقد است امروزه پافشاری برای همنوایی اجباری با حقایق دینی (به ویژه برای جوانان) در مقایسه با اصالت

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در ... ❖ ۱۶۱

❖ سال یازدهم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

شخصی سوژه معتقد که در جست و جوی حقیقت خویش است، کم ارزش شده است. (هریولته، ۱۳۸۰: ۳۰۰ - ۲۹۳)

- دین‌داری در گروه‌های مختلف تحصیلی از لحاظ آماری تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به گونه‌ای که هر چه تحصیلات پایین‌تر باشد میزان دین‌داری نیز بالاتر است. این نتایج، تحقیق «میر سندسی (۱۳۸۳)» را تایید می‌کند. برخی از دانشمندان علوم اجتماعی استدلال کرده‌اند که در جوامع شهری جدید «تحصیلات» را شاخص اصلی منزلت و موقعیت اجتماعی محسوب کنیم. (اینگلهارت، ۱۳۸۶: ۱۰۰) همچنین تحقیق «سراج زاده (۱۳۷۷)» و «طالبان (۱۳۷۸)» نشانگر همین موضوع است. طبیعی است که والدین تحصیل کرده دانشگاهی به منظور حفظ منزلت و موقعیت اجتماعی خانواده اصرار دارند که فرزندانشان بیشتر درس بخوانند تا مثل آنها تحصیلات عالی به دست آورند. میزان دین‌داری دانش‌آموزانی که دارای منزلت اجتماعی پایین‌تری هستند، نیز نسبت به کسانی که منزلت بالاتری دارند قوی‌تر است. همچنین به عقیده «وبر» با افزایش تحصیلات و افزایش آگاهی شناختی از عقلانیت انسانی، از اهمیت اعتقادات دینی کاسته می‌شود. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

- دین‌داری افراد در مناطق مختلف شهر تهران با یکدیگر از لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. به طوری که میزان دین‌داری شهروندان جنوب تهران (منطقه ۱۶) از مناطق شمال (منطقه ۱)، شرق (منطقه ۴)، مرکز (منطقه ۶) و غرب (منطقه ۵) بیشتر است. این نتیجه، نتایج تحقیق سراج زاده در سال (۱۳۷۷) را تایید می‌کند.

- از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر این است که میزان دین‌داری افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده شان رابطه معنادار و معکوس دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت نتایج، حاکی از آن است که هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده یا به عبارتی منزلت اجتماعی خانواده بالا رود میزان دین‌داری افراد کاهش می‌یابد و البته عکس آن نیز صادق است. نتیجه به دست آمده نیز نتایج تحقیق سراج زاده (۱۳۷۷)، نیکخواه

(۱۳۸۰) و غیاثوند (۱۳۸۰) را تایید می‌کند. همچنین «وبر» در بررسی نوع و شکل رفتار دینی در میان اقشار مختلف جامعه معتقد است که هر یک از اقشار و گروه‌های اجتماعی، برحسب پایگاه اجتماعی و اثر شرایط و موقعیت‌های اجتماعی از دین‌داری خاص و متفاوت از اقشار دیگر تبعیت می‌کنند و به تبع آن تأثیر دین‌داری می‌تواند بر فرد و رفتار اقتصادی - اجتماعی او در هر قشر، متفاوت باشد. (همیلتون: ۲۴۰)

منابع و ماخذ

- ادريسي، افسانه (۱۳۸۶)، «جزوه درسي روش تحقيق پيشرفته»، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران شمال.
- انوري، حميدرضا (۱۳۷۳)، «پژوهشی راجع به تقدير گرايي و عوامل تاريخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر تکوين آن»، مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- الياده، ميرچا (۱۳۷۴)، «فرهنگ و دين»، مترجم: بهاء الدين خرمشاهی، تهران، انتشارات طرح نو.
- اينگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، «تحول فرهنگی در جوامع پيشرفته صنعتی»، مترجم: مريم وتر، انتشارات کوير.
- حبيب زاده خطبه سرا، رامین (۱۳۸۴)، «بررسی انواع دين داری در بين دانشجویان دانشگاه تهران»، مقطع کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تربيت مدرس.
- رحمانی خلیلی، احسان، (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر دين داری بر سرمايه اجتماعی شهروندان تهرانی»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده

❖ ۱۶۴ نامه پژوهش فرهنگی

- مدیریت و علوم اجتماعی، رشته پژوهش علوم اجتماعی، استاد راهنما: دکتر سید محمد صادق مهدوی، استاد مشاور: دکتر افسانه ادیسی.
- رفیع پور، فرامرز (الف ۱۳۷۸) «*آناتومی جامعه تهران*»، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (ب ۱۳۷۸)، «*کندوکاوها و پنداشته‌ها*»، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، «*جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*»، مترجم: دکتر عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، موسسه انتشاراتی تبیان.
- سراج زاده، حسین (۱۳۷۷)، «*نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن*»، فصلنامه نمایه پژوهش، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۷۷.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۲)، «*مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران*»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، ۳۴ - ۶۶.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، «*خانواده، دانشگاه و جامعه پذیری جوانان*»، نامه علوم اجتماعی، نشریه علمی - پژوهشی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۲۷ - ۵۴.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۰)، «*بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی خانواده بر گرایش‌های ارزشی دینی و مذهبی جوانان*»، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قربانی، جعفر (۱۳۸۳)، «*رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت در آزمون *dlpf**»، مقطع کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷)، «*زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*»، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۸)، «*سنجش پابندی دینی دانشجویان*»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵ و ۲۶.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۸۳)، «*مطالعه میزان دین‌داری و انواع دین‌داری دانشجویان*»، استاد راهنما: حاضری، محمد، مقطع دکتری، جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ندیمی، حمیرا (۱۳۷۷)، «*جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان*». پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.

شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در ... ❖ ۱۶۵

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

- نیکخواه، هدایت الله (۱۳۸۰)، «سنجش دین‌داری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (دانش آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شیراز)»، استاد راهنما: مهدوی، محمدصادق، مقطع کارشناسی ارشد، گرایش پژوهش علوم تجربی، دانشگاه شهید بهشتی.
- هرویولزه، دانیل (۱۳۸۰) «انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی - دینی مدرنیته»، ترجمه سید محمود نجاتی حسینی، نامه پژوهش، شماره ۲۱-۲۰، سال پنجم، بهار و تابستان، ۳۰۹ - ۲۸۷.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، «جامعه‌شناسی دین»، مترجم: محسن ثلاثی، موسسه فرهنگی انتشارات تبیان
- هیوم، رابرت ا. (۱۳۷۲)، ادیان زنده جهان، مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- Blau, Judith.R and Redding, Kent., (1992). " The Expansion of Religious Affiliation:an Explanation of the Groth of Church Participation in the United.
- Fukuyame. Francis, (1999). "Social Capital and Civil Society" is Accessible at <http://www.prospect.org/print/V4/13/Putnam-r.html>
- Roberts, Keith A.(1995).Religion in sociological perspective. Wadsworth publishing company.